

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری باز

مرتضی نصوحی^۱ - اکبر اعتباریان^۲ - مهربان هادی پیکانی^۳ - رضا ابراهیم زاده^۴

چکیده

زمینه: قطع ارتباط روزافزون بین شهروندان و سیاستگذاران منجر به ایجاد بحران مشروعیت، کاهش اعتماد عمومی و سرخوردگی سیاسی گردیده و حوزه سیاست‌گذاری را ملزم به بازمهندسی نموده تا ضمن جذب اعتماد مجدد شهروندان، منجر به بهبود عملکرد حکومت‌ها گردد. بر این اساس در سال‌های اخیر مدل خط‌مشی‌گذاری باز به سرعت در حال جایگزینی با مدل‌های سنتی می‌باشد که شناخت ابعاد آن می‌تواند راهگشای بهره‌گیری از آن باشد.

هدف: طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری باز هدف اصلی این پژوهش است تا بتواند به عنوان راهنمای عمل سیاستگذاران مورد استفاده قرار گیرد.

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از روش فراترکیب تفسیری-انتقادی^۱ ضمن بررسی سیستماتیک و انتقادی منابع یافت شده در زمینه خط‌مشی‌گذاری باز به انتخاب ۳۷ منبع از میان حدود ۵۰۰ منبع یافت شده پرداخته و با اختصاص ۲۵۰ کد به ۸۲۷ بخش از منابع مورد بررسی در نرم افزار MAXQDA2020 به تجزیه و تحلیل پرداخته است.

یافته‌ها: ۲۵۰ کد تعیین شده در ۲۹ تم و در نهایت در پنج بعد داده باز، نوآوری باز، خط‌مشی‌گذاری باز، اعتماد و دولت باز تقسیم بندی شدند که گویای ابعاد مدل مورد نظر می‌باشند.

نتیجه: بهره‌گیری از اصول دولت‌باز (شفافیت، مشارکت و همکاری) و پرداختن به داده‌باز و نوآوری‌باز، ضمن تقویت خط‌مشی‌گذاری باز که همانا بازتر کردن فرایند سیاست‌گذاری و نقش دادن به مردم در تمامی مراحل چرخه سیاست‌گذاری می‌باشد، اعتماد عمومی را بازسازی نموده و بهبود عملکرد حکومت را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: مدل خط‌مشی‌گذاری باز، دولت‌باز، داده‌باز و نوآوری‌باز

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. nosoohi55@gmail.com

^۲ نویسنده مسوول: دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

(نویسنده مسئول) etebarian@ymail.com

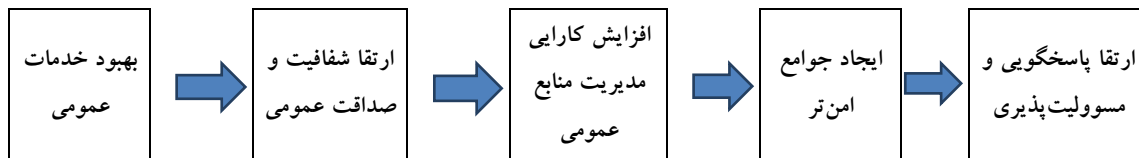
^۳ استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. paykani2323@gmail.com

^۴ استادیار مدیریت رسانه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. ebrahimzadeh2020@gmail.com

مقدمه

ولی باید توجه داشت که در این حالت نیز تمامی بازیگران از بدنه حاکمیتی می‌باشند و یا با پیدایش مفهوم دولت باز و توجه به نوآوری باز، در مدل شبکه‌ای سعی شده است که فضای سیاست‌گذاری بازتر شود و ذینفعان مختلف درگیر موضوعات و مراحل مختلف چرخه سیاست‌گذاری عمومی شوند ولی تأثیرگذاری ذینفعان در این مدل بیشتر در قالب نهادها می‌باشد. در حالیکه با حرکت از نظام‌های پادشاهی به سمت نظام‌های مشروطه و سرانجام نظام-های دموکراسی یا مردم‌سالار، به تدریج قاطبه مردم در سیاست‌گذاری‌ها قدرت می‌یابند و سیاست‌گذاران دیگر نمی‌توانند به تنهایی و در پشت درب‌های بسته و با اتکا به اطلاعاتی که فقط در نزد آنهاست برای دیگران و برای کل مردم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نمایند و باید تلاش نمایند اعتماد عمومی را با ارتقا شفافیت و بر پایه سیاست‌هایی مانند داده باز حکومتی افزایش دهند. اعتماد داشتن مردم به دولت، اقدامات دولت‌ها را مشروعیت بخشیده و محیط مناسبی را برای حمایت از سیاست‌های آن‌ها ایجاد می‌کند. بدون اعتماد مردم، سیاست‌گذاری با ریسک بالای اجرا مواجه است، کاهش اعتماد سیاسی، اعتماد اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و انسجام اجتماعی را کاهش می‌دهد و کاهش اعتماد به بازیگران اقتصادی نیز باعث افزایش هزینه‌های معاملات که عمدتاً ناشی از اطلاعات نامتقارن می‌باشد، خواهد شد. قطع ارتباط روزافزون بین شهروندان و تصمیم‌گیرندگان، حوزه سیاست‌گذاری را ملزم به بازمهندسی نموده است. فضاهای جدید مشارکت سیاسی از طریق گسترش ارتباطات بویژه ارتباطات دیجیتال تقویت و حتی گسترش می‌یابند. دولت‌ها و ادارات برای تسهیل مشارکت شهروندان، مدل‌های مختلفی مانند دولت الکترونیکی و دولت باز را پیدا کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنند. در این رابطه جنبش «مشارکت دولت باز»^۲ به منظور افزایش مشارکت مردمی، مبارزه با فساد و

در ادبیات موضوع خط‌مشی‌گذاری عمومی، دو مدل کلان وجود دارد (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲: ۳۷) یکی به تیپ شناسی و گونه‌بندی انواع خط‌مشی‌ها می‌پردازد که بسته به نظرات اندیشمندان مختلف گونه‌های متفاوتی از خط‌مشی‌ها ارائه شده است. به عنوان نمونه می‌توان به خط‌مشی‌های قضایی، اجرایی و تقنینی یا ماهوی و رویه‌ای یا نمادین و مادی یا توزیعی، بازتوزیعی و تنظیمی یا فراگیر، هادی و عمومی و... اشاره نمود (هادی پیکانی، ۱۳۹۵: ۳۰، جاودانی، ۱۳۹۲: ۴۱) ولی تاکنون در منابع در اختیار اشاره‌ای به گونه خط‌مشی‌گذاری باز در مقابل خط-مشی‌گذاری بسته یا نیمه باز نشده است. دیگری مدل چرخه‌ای سیاست‌گذاری عمومی است که در آن، مراحل شناسایی مشکل، دستورگذاری، تدوین، تصویب، اجرا و ارزیابی تفکیک شده‌اند که البته مسیر بازخوردی ما بین مراحل پیش گفته نیز وجود دارد (قرونه و بابکی راد، ۱۳۹۴: ۴ و ۷۶) و برای هر کدام از مراحل مذکور، در منابع مختلف مدل‌هایی ارائه شده است به عنوان نمونه در مرحله دستورگذاری مدل‌های ابتکار درونی، ابتکار بیرونی، بسیج و رسانه معرفی شده‌اند یا در مرحله تدوین، مدل‌های نهادی، فرایندی، تئوری بازی، عقلایی، نخبگی و... ارائه شده است (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴: ۱۵-۹۰، هادی پیکانی، ۱۳۹۵: ۷۱-۱۲۲). مساله مهم آنست که در بهترین حالت، این مدل‌ها عمدتاً متأثر از رویکردهای مبتنی بر دموکراسی نمایندگی است که بر اساس نظر چارالابیدیز^۲ امروزه این رویکرد باید با روش‌های مشارکت مداوم شهروندان ترکیب شود (ذوالفقارزاده و شهبواری، ۱۳۹۸). هر چند در طول زمان با حرکت به سمت برخی از مدل‌ها سعی شده است که بازیگران دیگری نیز در خط‌مشی‌گذاری نقش آفرینی کنند، به عنوان نمونه در مدل اجرا با تأکید بر رویکرد پایین به بالا، بوروکرات‌ها نیز در خط‌مشی‌گذاری نقش می‌یابند



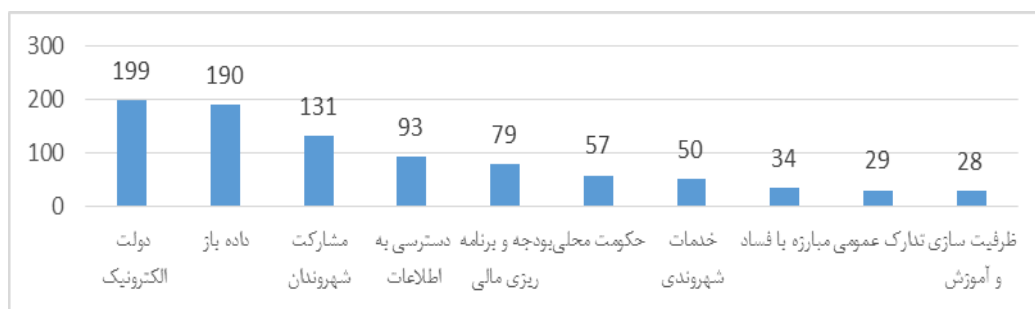
شکل ۱: پنج چالش مهم مورد نظر جنبش مشارکت دولت باز

همانگونه که مشاهده می‌گردد هدف تحقق دولت الکترونیک و داده باز^۴ به ترتیب در برنامه عملیاتی ۱۹۹ و ۱۹۰ کشور عضو از ۲۵۰ کشور عضو جنبش مشارکت دولت باز مطرح شده است که حکایت از توجه ویژه اعضا این جنبش به اعتمادسازی برای شهروندان و بازسازی روابط شهروندان و دولت دارند. یک فرایند سیاست‌گذاری اعتمادساز بر روی اطلاعات قابل اعتماد و شفاف پایه‌ریزی می‌شود، یک ساختار تبادل اطلاعات روشن را فراهم می‌کند و رفتارها و انتظارات بازیگران مختلف را بطور شفاف در نظر می‌گیرد، بنابراین روند تعاملات را تسهیل می‌کند و منجر به دستیابی به سازش‌های پایدار، همسو با منافع عمومی شده و تسهیلگر اجرای سیاست‌ها می‌شود. اعمال داده باز نه تنها شفافیت و پاسخگویی یک دولت را افزایش می‌دهد بلکه می‌تواند منجر به ایجاد منافع اقتصادی، کشف راه‌های نوآورانه برای پیشرفت جامعه و همچنین پشتیبانی از کارکردهای ادارات دولتی شود (برتوت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۸؛ پریسک و همکاران، ۲۰۱۴: ۵؛ باکشی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۳۵؛ دلونگ و جانسن، ۲۰۱۴: ۱؛ کالامپوکیز و همکاران،

بکارگیری فناوری‌های جدید برای ایجاد دولت‌هایی بازتر، اثربخش‌تر و پاسخگوتر در سال ۲۰۱۱ شکل گرفته است که تلاش می‌کند اعضا آن حرکتی را در سطح دولت باز ایجاد نموده و نوآوری باز را در سطح ملی ترویج نمایند. جنبش دولت باز به دنبال هدف دستیابی به دولتی است که همکاری بین ادارات دولتی و عموم مردم را امکان پذیر می‌سازد تا شفاف‌تر و دموکراتیک‌تر شود (موتوکو و کلاکو، ۲۰۱۲: ۱۸). پنج چالش مد نظر جنبش مذکور در شکل ۱ ارائه شده است.

تعهداتی که باید در برنامه عملیاتی کشورها جهت عضویت در جنبش مشارکت دولت باز درج شوند باید بر اساس چهار اصل دولت باز باشد:

- شفافیت.
 - مشارکت شهروندان.
 - پاسخگویی و مسوولیت پذیری.
 - بهره‌گیری از فناوری جهت افزایش تعامل با شهروندان.
- اهداف اصلی که در برنامه‌های عملیاتی کشورهای عضو جنبش مشارکت دولت باز ذکر شده اند در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: اهداف اصلی مذکور در برنامه‌های اقدام دولت باز

(هیوگس و همکاران، ۲۰۱۲)

ناشی از تصمیم یا اقدام‌های خود عملاً پاسخگو باشند. پاسخگویی یکی از راه‌های ایجاد اعتماد عمومی است (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). پاسخگویی از ارکان اصلی مدیریت دولتی است که اعتماد و انصاف را در اذهان متبلور می‌سازد (واعظی و آزمندیان، ۱۳۹۰: ۹۷). در رویکرد خدمات عمومی نوین، پاسخگویی چند جنبه یا پیچیده وجود دارد. در واقع سیاستگذاران و کارگزاران باید نسبت به رعایت کردن قانون، در نظر گرفتن منافع عمومی، در نظر داشتن ارزش‌های جامعه، لحاظ کردن استانداردهای شغلی و رعایت حقوق شهروندی پاسخگو باشند. بدیهی است عدم پاسخگویی سیاستگذاران منجر به از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی، افزایش هزینه‌های اداره عمومی، نارضایتی و درگیری‌های داخلی، بروز فساد و ناکارآمدی می‌گردد. هرچند امروزه بواسطه توسعه تکنولوژی و بویژه رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد داده‌های زیاد و فراوان^۵ و حرکت به سمت دولت نسل دوم، مرز بین دولت و مردم بسیار کمرنگ شده است که این امر منتهی به پاسخگویی بهتر و اعتمادسازی می‌گردد، متأسفانه کماکان بسیاری از دولتمردان از مدل‌های قدیمی سیاست‌گذاری که عمدتاً بسته می‌باشد، بهره‌برداری می‌نمایند. در مدل‌های قدیمی شهروندان تا حد زیادی از فرایندهای تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی جدا هستند و فرصتی برای ارزیابی اطلاعات مربوط به یک مساله و تصمیم‌گیری، به آن‌ها داده نمی‌شود. همچنین می‌توان شواهد زیادی بر ناکارآمدی سیاست‌های مستخرج از مدل‌های قدیمی بویژه در زمان اجرا پیدا کرد که ناکارآمدی این سیاست‌ها نیز منجر به تشدید چرخه بی‌اعتمادی می‌شود. در واقع به مدل‌های سیاست‌گذاری سنتی انتقاداتی از قبیل موارد زیر وارد است:

۲۰۱۱: ۲۶۶). از دیگر مزایای مهم ناشی از داده‌باز می‌توان به جلوگیری از فساد، افزایش انگیزه کارمندان خدمات عمومی به دلیل استفاده مجدد از داده‌های منتشر شده در تولید خدمات جدید، شهروندان آگاه‌تر، مشارکت پیشرفته شهروندان و ایجاد اشتغال‌های جدید اشاره کرد (پریسک و همکاران، ۲۰۱۴: ۵). انتشار داده‌های حکومتی مانند ترافیک، هواشناسی، بودجه، داده‌های جغرافیایی و مکانی، امکان ایجاد خدمات جدید را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد که جدا از سودآوری نیز می‌تواند در راستای تامین منافع عمومی باشد (برتوت و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۸).

با این وجود، امروزه مردم در مورد چگونگی سیاست‌گذاری دولت‌ها و عدم پاسخگویی آن‌ها به پیامدهای سیاست‌ها، نگران و بی‌اعتماد هستند. اینکه دولت‌ها چگونه تعارضات بین اولویت‌های بهداشتی و ایمنی، محیط‌زیستی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی را در حل مسائل عمومی لحاظ می‌کنند یا اینکه به عنوان نمونه در حوزه‌های علمی، دانشمندان در حال کار روی تکنیک‌هایی هستند که سلول‌ها یا اندام‌های یک گونه حیوانی (مانند خوک‌ها) را به انسان (انسان بالقوه) پیوند دهند یا در زمینه جنگ‌های بیولوژیک و هسته‌ای اقدام می‌نمایند و بودجه‌های کلانی برای امور نظامی و جنگی پیش بینی می‌کنند، بر نگرانی‌های مردم می‌افزاید. با وجود چنین رویه‌هایی، سؤالات اخلاقی و اجتماعی مهمی برای بسیاری از شهروندان ایجاد می‌شود. شک و تردید فزاینده‌ای در مورد سیاست‌هایی که ارزش‌ها را تهدید می‌کند و یا مخاطراتی برای سلامتی انسان و جهان طبیعی به همراه دارد، در پیش است. بنابراین ایجاد سیستم‌هایی که ارزش‌های عمومی را در سیاست‌گذاری‌ها بهتر منعکس کنند، یک کار ضروری است (احمدی و الوانی، ۱۳۹۴: ۱). در حل مسائل عمومی، امکان دارد که سازمان‌های دولتی با حل یک مسئله، سبب بروز مسئله دیگر در جامعه پیرامون شوند که لازم است نسبت به پیامدهای

رکابدار، ۱۳۹۶: ۳۳). امروزه به دلیل اهمیت پاسخگویی و اعتمادسازی حتی در حوزه علم و فناوری، محققان از روش‌های مشارکت بیشتر شهروندان و ذینفعان در فرایندهای سیاست‌گذاری و تعامل با آن‌ها به صورت چهره به چهره با متخصصان، بطور گسترده بهره می‌برند. تکنیک‌هایی که شامل پانل‌های مشاوره، هیئت داوری شهروندان، کارگاه‌های سناریو و کنفرانس‌های اجماع است.

با توجه به تاثیری که مشارکت دادن مردم در سیاست‌گذاری بر افزایش اعتماد آن‌ها و کارآمدی و موفقیت سیاست‌ها در اجرا دارد، قاندا دیگر نمی‌توان از مدل‌های خط‌مشی‌گذاری قدیمی که عمدتاً بسته می‌باشند، بهره‌برداری نمود و باید به موضوع مدل‌های خط‌مشی‌گذاری باز پرداخته شود. این موضوع، در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است به گونه‌ای که موضوع خط‌مشی‌گذاری باز، محور اصلی دومین کنفرانس نوآوری سیاسی در کانادا در سال ۲۰۱۶ بوده است. (خط‌مشی‌گذاری باز در دوران دیجیتال^۶، ۲۰۱۶). در گزارش اتحادیه اروپا و گزارش برنامه اصلاحات انگلیس خط‌مشی‌گذاری عمومی باز رویکرد جدیدی جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در عرصه سیاست‌گذاری مطرح می‌شود (فرصت‌ها و درس‌های اتحادیه اروپا از سیاست‌گذاری باز^۷، ۲۰۱۶).

حال پرسش اصلی این پژوهش آن است که مدل خط‌مشی‌گذاری عمومی باز چیست تا راهنمایی برای برنامه عمل سیاست‌گذاران به منظور بازگردان اعتماد به مردم که هدف اصلی تحقق دولت باز است، باشد؟

روش پژوهش

به منظور پاسخگویی به پرسش پژوهش حاضر در ساحت روش تحقیق کیفی از یک روش فراترکیب تفسیری- انتقادی استفاده شده است. در فراترکیب، تحقیقات مختلف در مفهومی بزرگ تر با هدف خلق

- خط‌مشی‌ها براساس نظرات افراد محدودی تهیه می‌شود.
 - خط‌مشی‌ها قبل از اعلام، به اندازه کافی در معرض چالش برون سازمانی قرار نمی‌گیرد.
 - روند سیاست‌گذاری و مدارک و شواهد مورد استفاده در سیاست‌گذاری به اندازه کافی شفاف نیستند.
 - سیاست‌ها به صورت کافی، واقعیتی را که شهروندان تجربه می‌کنند، منعکس نمی‌کند.
 - خط‌مشی‌ها غالباً بدون توجه کافی با نظرات افراد مجری، تدوین می‌شود.
- دلیل این انتقادات آنست که سیاست‌گذاران غالباً مشارکت عمومی را (که از اصول دولت باز است)، در بدترین حالت به عنوان یک مزاحمت و یا در بهترین حالت یک امر اختیاری لوکس می‌دانند. باید توجه داشت که مدل‌های رایج و سنتی سیاست‌گذاری برآورده کننده نقش و انتظارات قدیمی دولت‌ها است ولی دیگر امروزه پاسخگو نمی‌باشد. بر این اساس با توجه به افزایش آگاهی و رویکرد مطالبه‌گری مردم از دولتمردان، دیگر شیوه‌های سنتی اداره امور عمومی، اثربخشی لازم را ندارند. به گفته کینک و استایورز در مقایسه با پارادایم مدیریت دولتی نوین که بر اثربخشی تاکید زیاد داشت، در پارادایم خدمات عمومی نوین بیشتر بر پاسخگویی و جلب اعتماد شهروندان به بخش دولتی تاکید می‌شود (احمدی و الوانی، ۱۳۹۴: ۱). هر چه از حاکمیت به سمت حکمرانی حرکت می‌شود، مشارکت مردم در امر سیاست‌گذاری و اجرا بیشتر می‌گردد. فلاح زاده و رکابدار بیان می‌کنند: بر اساس ایده اداره مطلوب، تصمیمات اداری باید مستدل بوده و مقام تصمیم‌گیرنده مکلف است که با ارائه دلایل و مستندات کافی، تصمیمات خود را توجیه کند (نسبت به آن‌ها پاسخگو باشد) و شهروندان حق مشارکت در جریان تصمیماتی را دارند که حقوق و آزادی‌ها و منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فلاح زاده و

از نقاط مثبت این دو روش استفاده شود که مراحل آن به قرار زیر است:

- مراحل فراترکیب تفسیری - انتقادی به منظور دستیابی به پاسخ مساله پژوهش
- طراحی پرسش جهت مرور مطالب
- جستجوی ادبیات
- نمونه‌گیری
- تعیین کیفیت
- استخراج داده‌ها
- ساخت یک ترکیب تفسیری

در مرحله آخر (ساخت ترکیب تفسیری) مطابق با روش پیشنهادی دیکسون وودز و همکاران (۲۰۰۶: ۳۵) و توماس و هاردن (۲۰۰۸: ۴۵) روی تم‌های استخراج شده، تحلیل‌های زیر انجام می‌شود:

- خلق سازه‌های ترکیبی با ترکیب خطوط استدلال. سازه‌های ترکیبی نتیجه تغییر شکل یافته، نتایج اولیه و زیربنایی به شکل یک مفهوم جدید است.
- خلق سازه‌های تحلیلی با تفسیر کلی سازه‌های ترکیبی

طراحی پرسش جهت مرور مطالب

در این روش بر خلاف سایر روش‌های فراترکیب، پرسش تحقیق اولیه، کلی و منعطف بوده و اجازه می‌دهد تعریف پدیده، ابعاد و پیامدهای آن و عوامل موثر بر آن پدیده از تحلیل محقق از ادبیات ظهور پیدا کند. در این مرحله رویکردی تکرار شونده برای تعیین پرسش مرور اتخاذ می‌شود و این پرسش در پاسخ به نتایج و یافته‌های مطالعه، اصلاح می‌شود. گفتنی است پرسش‌های مرور می‌تواند با پرسش و مسئله تحقیق متفاوت باشد ولی باید به گونه‌ای طرح شود که به حل مسئله اصلی تحقیق و شناخت پدیده مورد نظر کمک کند. با توجه به این توضیحات پرسش‌های مرور در این پژوهش که در طول بررسی مورد استفاده قرار گرفتند عبارت بودند از:

یافته‌هایی که به طور مستقیم با پدیده در ارتباط هستند، یکپارچه می‌شوند (پترسون و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲). در واقع فراترکیب به طیفی از رویکردها گفته می‌شود که از طریق آن‌ها مطالعات مرور و مقایسه می‌شود (ادواردز و کایمال، ۲۰۱۶: ۳۰). فراترکیب فراتر از یک مرور سیستماتیک است و اطلاعات و یافته‌ها را در موضوع مرتبط و مشابه بررسی می‌کند و ترجمه و تفسیر عمیقی ارائه می‌دهد. ترجمه‌ها فقط به تفسیرهای فردی اشاره نمی‌کنند، بلکه اختلافات بین مطالعات مختلف را مشخص کرده و به پژوهشگران توانایی می‌دهند تا هم‌زمان درک کنند که چطور مطالعات مختلف به یکدیگر مرتبط هستند (بنچ و دی، ۲۰۱۰: ۴۸۷). فراترکیب‌ها انسجام‌هایی هستند که بیشتر از مجموع اجزای خود (هر مطالعه منفرد) بوده و پیشنهاد تفسیر جدیدی از یافته‌ها را با رویکردی استقرایی می‌دهند، این تفسیرها در هر یک از تحقیقات اولیه پیدا نخواهند شد و استنباط‌هایی استخراج شده هستند که در قالب گزارشی به عنوان یک کل ارائه می‌شوند (توماس و هاردن، ۲۰۰۸: ۴۵) که این ویژگی می‌تواند برای ارائه روشی جدید از میان روش‌های موجود سودمند باشد. رویکرد انتخابی تحقیق حاضر برای اجرای فراترکیب، روش ترکیب تفسیری-انتقادی است^۱. این روش توسط دیکسون وودز و همکاران (۲۰۰۶: ۳۵) با در نظر گرفتن طیفی از مباحث در اجرای روش‌شناسی‌های مرور سیستماتیک و فراترکیب شناسایی شده است. این روش بر خلاف روش‌های متداول فراترکیب که به دنبال استخراج مقالات و وزن-دهی آن‌ها هستند، به دنبال انتقاد از پیشینه بصورت پویا، تکرار شونده و عمیق است. با وجود این با توجه به مشابهت و ریشه یکسان این روش با روش‌های فرا قوم‌نگاری نوبلیت و هیر (۱۹۸۸) و ترکیب تماتیک توماس و هاردن (۲۰۰۸: ۴۵)، سعی شده از نسخه‌ای توسعه یافته از ترکیب تفسیری انتقادی، با بهره‌گیری

تفاسیر و نتیجه گیری‌ها استفاده گردید در شکل ۳ فرایند انتخاب منابع نشان داده شده است:

مرحله اول: بررسی عنوان و کلیات مطالب یافت شده			
تعداد	مطالب	تعداد مطالب حذف	تعداد مطالب باقی
یافت شده: ۵۵۱	شده: ۱۴۰	مانده: ۴۱۱	



مرحله دوم: بررسی دقیق چکیده مطالب باقی مانده			
تعداد مطالب: ۴۱۱	تعداد	مطالب	تعداد مطالب باقی
حذف شده: ۳۰۳	مانده: ۱۰۸		



مرحله سوم: بررسی محتوا، نتایج مطالب و باقی مانده			
تعداد مطالب: ۱۰۸	تعداد	مطالب	تعداد مطالب باقی
حذف شده: ۷۱	مانده: ۳۷		

شکل ۳: فرایند ارزیابی و انتخاب منابع

استخراج داده‌ها

در این مرحله از روش ترکیب تماتیک توماس و هاردن (۲۰۰۸: ۴۵) برای استخراج داده‌ها استفاده شده است. ترکیب تماتیک همانند ترکیب تفسیری انتقادی از روش‌های فراترکیبی است که از روش فرا قوم-نگاری نویلت و هیر (۱۹۸۸) الهام گرفته است و رویکردی استقرایی و دیدگاهی انتقادی دارد، به همین دلیل شباهت‌های زیادی به این روش دارد. بر اساس گام‌های پیشنهادی این روش، سه مرحله استخراج داده‌ها انجام شد. در مرحله نخست متون به صورت جزئی کدگذاری شدند. در این مرحله ابتدا جهت اشراف محقق بر مطالب، کدگذاری اولیه بصورت دستی انجام گرفت تا خطوط استدلال اولیه در ذهن محقق شکل بگیرد ولی پس از آن به جهت اطمینان‌یابی از دقت اقدامات، از نرم افزار MAXQDA2020 بهره-برداری گردید. در این مرحله ۲۵۰ کد اولیه به ۸۴۷ بخش(جمله یا پاراگراف) از مطالب (۳۷ منبع) ارائه شد که این اقدام با بررسی مکرر کدها، تشابه یابی و ادغام در مواقع لزوم صورت گرفت. سپس در مرحله دوم تم‌ها از ترکیب کدهای اولیه استخراج شدند. در

- دولت باز
- مشارکت مردمی
- حکمروایی باز
- نظارت مردمی و همگانی
- داده باز
- فناوری‌های شهروندی
- شفافیت
- دولت به مثابه پلتفرم^۹

تعیین کیفیت

روش شناسی‌های مرور سیستماتیک متعارف، با روش‌های مختلفی همانند استفاده از چک لیست‌های کنترل کیفیت مقالات به تعیین کیفیت مقالات می‌پردازند. در فرا ترکیب معمولی عمدتاً از ابزار CASP استفاده می‌کنند و با امتیازدهی به موارد زیر موضوع را کنترل می‌کنند:

- اهداف تحقیق
- انعکاس‌پذیری و ارتباط
- منطق روش
- محقق با شرکت کنندگان
- طرح تحقیق
- ملاحظات اخلاقی
- روش نمونه برداری
- دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها
- جمع آوری داده‌ها
- بیان واضح یافته‌ها
- ارزش تحقیق

هنگامی که ادبیات موضوع پیچیده باشد و با موضوعات دیگر همپوشانی داشته باشد، برای استفاده از چنین روش‌هایی، چالش‌های خاصی وجود دارد. از آنجا که در مطالعه حاضر یافته‌های مطالعات نه فقط تعدادی متغیر، بلکه مدل‌ها و مفاهیم مربوط به آن‌ها بودند، برای مقایسه آن‌ها امکان ایجاد یک چک لیست وجود نداشت. برای مثال برخی از منابع شامل کتاب-های آموزشی یا پایان نامه‌ها یا گزارشات بودند که از نظر ساختار و ماهیت با مقالات پژوهشی یا مروری متفاوت هستند. از این رو در خصوص منابع غیر پژوهشی تأکید بر محتوا، محل انتشار و اعتبار ناشر آن-ها بوده است. با توجه به محدود بودن مطالعات پژوهشی انجام شده در خصوص موضوع تحقیق، برای ماکزیمم کردن حضور طیف وسیعی از مقالات در سطح مفاهیم، از آستانه‌ای بالا استفاده شد. همچنین از معیارهایی همچون بیان شفاف و کافی برای پشتیبانی از

سه تحلیل انجام شد. ابتدا به ترکیب خطوط بحث (تم-ها) پرداخته شد. سپس ضمن تفسیر کلی آن‌ها و بهره‌گیری از یک تحلیل انتقادی که به آن ترکیب حذفی می‌گویند، سازه‌های تحلیلی به دست آمدند که مدل خط‌مشی گذاری باز را تبیین می‌کنند.

یافته‌ها

همانگونه که مطرح شد جهت دستیابی به یافته‌ها و تحلیل آن‌ها از روش ترکیب تماتیک توماس و هاردن (۲۰۰۸: ۴۵) که الهام گرفته از روش فرا قوم-نگاری نویلت و هیر (۱۹۸۸) است و رویکردی استقرایی و انتقادی دارد، بهره برداری شده است. جدول شماره ۳ نمونه‌ای از کدگذاری‌های انجام شده را نشان می‌دهد.

- کدگذاری‌های انجام شده

در روش تحقیق کیفی، اولین لایه تحلیل، بررسی کدگذاری‌ها و فراوانی آن‌ها است، جدول زیر بخشی از کدگذاری‌های انجام شده در نرم‌افزار بر منابع انتخابی را به ترتیب بیشترین فراوانی ارائه داده است، جدول زیر گویای آن است که کد "مشارکت یکی از پایه‌های دولت باز" به ۱۷ بخش (جمله یا پاراگراف) در ۱۱ منبع (مطلب) از ۳۷ منبع انتخابی اختصاص یافته است و از این حیث بیشترین فراوانی را داشت و پس از آن کدهای «شفافیت و همکاری از پایه‌های دولت باز هستند»، بیشترین فراوانی را داشتند.

جدول ۳: کدهای

کد	مطلب کد دهی شده
بی اعتمادی مردم منجر به کاهش مشارکت می‌شود که چالش دولتهاست	کاهش مشارکت مدنی در عرصه عمومی به عنوان یکی از چالش‌های اصلی دولت مدرن در نظر گرفته شده است (Creso Sa, Julieta Grieco, 2015).
اعتماد شهروندان زمینه‌ساز بهبود عملکرد دولت	اعتماد نتیجه یک دولت باز است که می‌تواند عملکرد دولت را در تمامی حوزه‌ها تقویت کند. اگر شهروندان به دولت یا سیاست‌های خاص دولت اعتماد کنند، برای حمایت از آن سیاست‌ها مایل به پرداخت (هزینه، کمک و مالیات) می‌باشند (Open Government Impact & Outcomes. World Bank, 2016).

واقع کدها به صورت استقرایی برای کسب معانی و محتوای هر جمله یا پاراگراف ایجاد شدند. قبل از تکمیل این مرحله دوباره کل متن از لحاظ سازگاری تفسیرها و اینکه آیا احتیاج به اضافه کردن سطح جدیدی از کدها دارد یا خیر، بررسی شد که مشابه مفهوم کدگذاری محوری در تئوری برخاسته از داده‌ها است. تا این مرحله ترکیب تولیدشده بسیار نزدیک به یافته‌های مطالعات اصلی است (توماس و هاردن، ۲۰۰۸). در این مرحله ۲۹ تم برای پدیده خط‌مشی-گذاری باز تشخیص داده شد. مرحله بعدی تحت عنوان خلق سازه‌های تحلیلی است که در فرا قوم-نگاری و ترکیب تفسیری انتقادی تحت عنوان ترکیب خطوط استدلال و ترکیب تفسیری از آن نام برده می‌شود و نقطه قوت و متمایزکننده این روش‌ها از سایر روش‌های فراترکیب است. سازه‌های تحلیلی در این تحقیق در قالب ۵ عنوان مشخص گردیدند که عبارتند از نوآوری باز؛ داده باز؛ خط‌مشی گذاری باز؛ اعتماد؛ و دولت و حکمرانی باز.

جدول ۲: فراوانی کدها؛ تم‌ها و ابعاد

تعداد کد	تعداد تم	تعداد بعد
۲۵۰	۲۹	۵

- ساخت یک ترکیب تفسیری

در این مرحله مطابق با روش پیشنهادی دیکسون وودز و همکاران (۲۰۰۶: ۳۵) و توماس و هاردن (۲۰۰۸: ۴۵) روی ۲۹ تم (سازه ترکیبی) استخراج شده،

جدول ۴: بخشی از کدها و تم‌ها به ترتیب فراوانی

مطلب	بخش کدگذاری	کد	تم
۱۱	۱۷	مشارکت یکی از پایه‌های دولت باز	حکمرانی و دولت باز
۸	۱۳	شفافیت یکی از پایه‌های دولت باز	حکمرانی و دولت باز
۷	۱۲	همکاری از پایه‌های دولت باز	حکمرانی و دولت باز
۷	۱۱	استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتال در دولت باز	دولت باز به عنوان پلتفرم
۵	۱۰	کیفیت خط‌مشی‌گذاری نیازمند واقع‌گرایی یا شواهدگرایی	الزامات سیاست‌گذاری خوب
۸	۱۰	بازتر کردن فرایند سیاست‌گذاری	ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری باز
۵	۸	کیفیت محتوای سیاست‌ها نیازمند نوآوری در خط‌مشی است	الزامات سیاست‌گذاری خوب
۵	۸	جمع‌سپاری برای تولید ایده‌های مشترک	جمع‌سپاری، خرد جمعی و تولید مشترک
۵	۸	رسانه‌های اجتماعی تقویت‌کننده تعاملات بین مردم	دولت باز به عنوان پلتفرم
۵	۸	تقویت تعاملات با شهروندان در سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری بهتر	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری باز
۵	۸	دولت باز	عوامل اعتماد ساز
۱	۸	ضرورت داده باز اجباری از تعاملات لایبگری	لایبگری شفاف
۱	۸	ضرورت قانون‌گذاری برای لایبگری	لایبگری شفاف
۶	۸	شورای شهر، هیات منصفه‌ها و جلسات عمومی سطح متوسطی از مشارکت	مشارکت سلسله مراتبی است
۶	۸	گفتگو در خصوص سیاست‌ها و فرایند سیاست‌گذاری	ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری باز
۷	۸	ورود صدای شهروندان به فرایند سیاست‌گذاری	ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری باز
۵	۷	دولت باز تقویت‌کننده توسعه دموکراسی	اهداف و اثرات دولت باز
۵	۷	تقویت گفتگوی شهروندان با مدیران	تأثیرات مشارکت
۴	۷	تقویت تعاملات با شهروندان و ایجاد دموکراسی مترقی تر	دولت باز به عنوان پلتفرم
۳	۷	تکنولوژی، تقویت‌کننده مشارکت عمومی حتی مستقیم	دولت باز به عنوان پلتفرم
۶	۷	داده باز منجر به افزایش شفافیت می‌شود	شفافیت یکی از پایه‌های دولت باز
۵	۷	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری باز شهروندان به عنوان منبع ایده در خط‌مشی‌گذاری باز	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری باز
۱	۶	آزمایشگاه سیاست جهت درک واقعی خواسته‌های افراد تحت تأثیر سیاست‌ها	آزمایشگاه سیاست ^{۱۱} ابزار پایه‌ای خط‌مشی - گذاری باز
۵	۶	بهبود عملکرد دولت با طراحی مشترک	بهبود عملکرد نیازمند خط‌مشی‌گذاری خوب
۳	۶	دولت باز نیازمند مشارکت عمومی در توسعه، نظارت و ارزیابی	دولت باز: حکمرانی همگانی و مشارکتی
۲	۶	نگاه جامع به محیط و توانایی‌های سازمانی الزام سیاست‌گذاری خوب	هوشمندی در سیاست‌گذاری
۵	۵	در خط‌مشی‌گذاری باز تقویت پاسخگویی با طراحی مشترک محقق می‌گردد	خط‌مشی‌گذاری باز
۵	۵	درگیرسازی مردم در اجرا و نظارت (همکاری)	عوامل اعتماد ساز
۴	۵	در مشارکت نگاه به شهروندان فراتر از مشتریست	مشارکت عمومی
۴	۵	سیاست‌گذاری بهتر	منافع داده باز
۱	۴	بهره‌گیری از روش‌های قوم‌نگاری و مردم‌نگاری در آزمایشگاه سیاست	آزمایشگاه سیاست ابزار پایه‌ای خط‌مشی‌گذاری باز
۲	۴	رویکرد آزمایشگاه سیاست طراحی مشارکتی (همزمان با ذینفعان) است	آزمایشگاه سیاست ابزار پایه‌ای خط‌مشی‌گذاری باز
۴	۴	بهره‌گیری خط‌مشی‌گذاری باز از ساز و کار جمع‌سپاری و خرد جمعی	جمع‌سپاری، خرد جمعی و تولید مشترک
۴	۴	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری باز شهروندان به عنوان یابنده مشکلات در خط‌مشی‌گذاری باز	شهروندان بازیگر اصلی در خط‌مشی‌گذاری باز
۲	۲	باشگاه شهروندی از مکانیزم‌های مشارکت عمومی	اشکال مشارکت
۱	۲	شهروندان به عنوان منبع نوآوری	زیرساخت‌های نوآوری باز
۱	۱	بودجه ریزی مشارکتی	اشکال مشارکت
۱	۱	جمع‌سپاری، خرد جمعی و تولید مشترک	نوآوری باز

جدول ۵: خط مشی گذاری باز

مطالب (منابع)	فراوانی بخش کدگذاری	کد	
۸	۱۰	بازتر کردن فرایند سیاست گذاری	
۶	۸	گفتگو در خصوص سیاست‌ها و فرایند سیاست گذاری	
۷	۸	ورود صدای شهروندان به فرایند سیاست گذاری	
۵	۷	برقراری روابط جدید با شهروندان	
۵	۶	طراحی مشترک سیاست‌های عمومی با مشارکت عمومی	
۴	۶	جلب مشارکت متخصصین برون سازمانی	
۳	۶	خط مشی گذاری باز شامل شفافیت	
۳	۵	توسعه شبکه سیاست گذاری	
۴	۵	تامین منافع عمومی در خط مشی گذاری باز با مشارکت همگانی	
۴	۴	خط‌مشی گذاری باز و اثربخشی	
۴	۴	ضرورت بازنگری فرایند سیاست گذاری با بهره گیری از ابزارهای نوین	خط‌مشی گذاری باز
۱	۳	خط مشی گذاری خوب به دنبال خط‌مشی گذاری باز و شفاف	
۱	۳	در تقابل با خط‌مشی گذاری سلسله مراتبی	
۳	۳	در مقابل خط‌مشی گذاری بسته	
۲	۳	خط‌مشی گذاری افقی ظرفیت جدید خط‌مشی گذاری	
۲	۲	خط‌مشی گذاری باز و سیاست‌گذاری انعطاف‌پذیرتر	
۲	۲	خط‌مشی گذاری باز و انسجام سیاست‌ها	
۱	۲	متمایز از خط‌مشی گذاری دیجیتال است	
۱	۱	خط‌مشی گذاری باز به معنی همه پرسی نیست	
۱	۱	خط‌مشی گذاری باز از رسانه‌های اجتماعی بهره برداری می‌کند	
۱	۱	مکمل خط‌مشی گذاری دیجیتال و نه جایگزین	

این مدل مشخص شد که در لایه اول، خط‌مشی گذاری باز با تم‌های پاسخگویی، هوشمندی، بهبود عملکرد دولت، تغییر نقش شهروندان، سیاست‌گذاری خوب، آزمایشگاه سیاست و ویژگی‌ها و پس از آن با کدهای تعیین شده چگونه ارتباط یافته است.

بحث و نتیجه گیری

همانگونه که در مقدمه اشاره شد، بی‌اعتمادی سنگینی بین مردم و سیاست گذاران در برخی از کشورها حاکم است و از آنجایی که به اعتقاد برخی از اندیشمندان حوزه سیاست گذاری عمومی، مهمترین کار ویژه دولت‌ها سیاست‌گذاری است لذا می‌توان این بی-اعتمادی را محصول مدل/مدل‌های سیاست گذاری به

- کدهای مرتبط با خط مشی گذاری باز از آنجاییکه خط‌مشی گذاری باز، موضوع اصلی مورد تحقیق در این پژوهش می‌باشد، کدهایی که ویژگی‌ها و تعریفی از این پدیده ارائه داده‌اند (بر اساس بیشترین فراوانی اختصاص به بخش‌های مطالب)، به قرار جدول شماره ۵ بودند.

- مدل تئوریک سازه ترکیبی خط مشی گذاری باز با توجه به کدگذاری مطالب و تعیین تم‌ها (سازه-های ترکیبی) و نهایتاً ساخت ترکیب تفسیری و تعیین ابعاد در نرم افزار MAXQDA2020 خروجی گزارش-گیری شده از نرم افزار برای مدل تئوریک سازه ترکیبی خط‌مشی گذاری باز به قرار شکل ۴ به دست آمد. در

این در حالی است که در اکثر مدل‌های قدیمی خط-مشی‌گذاری سیاست‌ها در پشت درب‌های بسته اتخاذ می‌گردید ولی در فرایند نوآوری باز، شهروندان موقعیت کانونی را به عنوان منبع نوآوری در مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری عمومی بدست می‌آورند. اخیراً محققان مدیریت دولتی با الهام از روندهای مدیریت نوآوری بخش خصوصی، از اصطلاح تولید مشترک^{۱۱} در عرصه عمومی برای توصیف "فرآیندهای طراحی راه حل‌های جدید با مردم، نه طراحی شده برای آنها استفاده می‌کنند" و با به کارگیری این فرآیندهای جدید مشارکتی در سیستم سیاسی - اداری، مزایای بالقوه‌ای برای افزایش مشروعیت تصمیم‌گیری - ها بوجود می‌آورند Mathias Kube, Dennis Hilgers, Giordano Koch, Johann Fu"ller, 2015, 873- (895).

۵) در مدل خط مشی گذاری باز اعتماد عمومی بواسطه تقویت پاسخگویی ارتقا می‌یابد و با پاسخگویی در سایر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری قابل مقایسه نمی‌باشد چرا که به واسطه بهره‌گیری از ساز و کار طراحی مشترک و همزمان با ذینفعان، شفافیت و جذب مشارکت و همکاری شهروندان که از اصول دولت باز می‌باشند، پاسخگویی تقویت می‌گردد که این امر به اعتمادسازی عمومی بسیار کمک می‌کند و این موضوع از طریق ایجاد یک چرخه مثبت امکان خط مشی گذاری باز را تقویت می‌نماید.

این مدل ضمن مشخص نمودن ارتباط ابعاد، تم‌ها و حتی کدها بر اساس تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در نرم‌افزار مورد استفاده و نظرات خبرگی کمک می‌کند تا فضای گسترده‌ای برای تحقیقات بیشتر در این حوزه و دقیق سازی ارتباطات و انجام برخی از تحقیقات کمی در این رابطه جهت یابد. همچنین برای موفقیت در این مسیر و تحقق خط‌مشی‌گذاری باز نیاز به تهیه برنامه‌های عملیاتی در حوزه‌های مختلف می‌باشد که توجه به ابعاد و جزئیات این مدل می‌تواند کیفیت برنامه‌های عملیاتی در این حوزه را ارتقا بخشد.

عنوان منابع ایده برای راه‌حلیابی هستند و به عنوان رای دهندگان مستقیم و تصویب‌کنندگان راه حل‌ها و خط‌مشی‌ها نیز اقدام می‌نمایند. در این رابطه محققین مربوطه در حال تولید تحقیقات مختلف و جذابی در زمینه دموکراسی الکترونیکی می‌باشند. از سوی دیگر شهروندان همراه در اجرای سیاست‌ها و حتی نظارت بر اجرای سیاست‌ها می‌باشند و در این موارد نقش فعالی دارند. در این بخش شهروندان به لطف داده باز، از موضوعات به خوبی مطلع می‌گردند و دولتمردان و سیاستگذاران سعی می‌کنند با ارائه اطلاعات شفاف و بهنگام آنها را توانمند سازند و با بهره‌گیری از ابزار تکنولوژیکی جدید و پلتفرم‌های الکترونیکی مانند Fix My Park یا Fix My Street یا کمپین‌های جمع‌آوری امضا، مشارکت شهروندان را به حداکثر ممکن برسانند.

۳) خط‌مشی‌گذاری باز در مقایسه با سایر مدل‌های قدیمی و سنتی از ابزارهای جدید مشارکت محور مانند آزمایشگاه‌های سیاست بهره می‌برد که رویکرد اصلی آزمایشگاه سیاست طراحی مشارکتی یا طراحی همزمان سیاست با کمک ذینفعان است.

۴) خط‌مشی‌گذاری باز در مقایسه با سایر مدل‌های قدیمی و سنتی نیازمند فراهم سازی برخی از الزامات ویژه می‌باشد به عنوان نمونه سطحی از واقع‌گرایی و شواهدگرایی که بر اساس تجارب زیسته شهروندان به فرایند خط‌مشی‌گذاری باز منعکس می‌شود بسیار متفاوت از واقع‌گرایی در سایر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری است که همین امر باعث می‌شود کیفیت سیاست‌ها در خط‌مشی‌گذاری باز ارتقا یابد. از سوی دیگر سطح شفافیت در خط‌مشی‌گذاری باز در سه لایه شفافیت در فرایند سیاست‌گذاری، ارائه سیاست‌های شفاف و ارائه نتایج شفاف سیاست‌ها، متفاوت از شفافیت در مدل‌های سنتی و قدیمی خط‌مشی‌گذاری می‌باشد، که این موضوع کیفیت سیاست‌ها را ارتقا می‌دهد. همچنین برای ارتقای کیفیت سیاست‌ها خط-مشی‌گذاران نیازمند بهره‌گیری از نوآوری باز می‌باشند.

با توجه به مباحث پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت که خط‌مشی‌گذاری عمومی باز در مورد سیاست‌گذاری بهتر با پذیرش ایده‌های جدید، روش‌های جدید کار، بینش‌های جدید، اسناد و مدارک جدید و پذیرش کارشناسان مختلف و باز بودن نسبت به این موضوعات است. به عبارتی این مدل خط‌مشی‌گذاری، گشودن کل روند سیاست‌گذاری بر ایده‌های نو، تخصص‌ها و شنیدن صداها و مختلف و پس زده است. در این رویکرد حاکمیت، نخبگان و مردم می‌توانند با هم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کنند و با امکاناتی که رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه فناوری‌های شهروندی ایجاد کرده اند و آزادی‌های بیشتر در دسترسی به اطلاعات (به استثنای دسترسی به اطلاعات امنیتی یا اطلاعات مربوط به حریم شخصی افراد دیگر) و حرکت به سمت جریان داده باز حکومتی و افزایش مطالبه مردم در زمینه شفافیت هر چه بیشتر حاکمیت و عملکرد آن، دیگر انحصار در سیاست‌گذاری وجود نخواهد داشت. چنانچه خط‌مشی‌گذاری باز به خوبی اجرا شود، شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده می‌شوند و دامنه افراد درگیر در ارزیابی گزینه‌های سیاستی توسعه

می‌یابد که این امر مشروعیت بیشتری برای سیاست-گذاران محقق می‌نماید و ضمن اینکه درک عمومی را از پیچیدگی‌ها و مشکلات موجود در تصمیم‌گیری‌ها ارتقا می‌دهد، تحقق نتایج تصمیمات و سیاست‌ها را تسهیل می‌نماید. در جدول شماره ۶ ویژگی‌های اصلی مدل خط‌مشی‌گذاری باز ارائه شده است.

در مجموع منافع زیر را برای خط‌مشی‌گذاری باز می‌توان ذکر نمود:

- محافظت در برابر سلطه تصمیم‌گیری گروه‌های کوچک از متخصصان یا نخبگان با دیدگاه‌های خاص و بهبود اثربخشی ارائه خدمات
- خط‌مشی‌گذاری مطابق با ارزش‌های جمعی و تامین منافع عمومی
- توانمندسازی افراد مشارکت‌کننده و افزایش اعتماد به فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و تقویت مشروعیت
- تقویت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی
- تحقق بیشتر قرارداد اجتماعی
- تحقق بیشتر حکمرانی خوب
- ایجاد تعامل سازنده بین شهروندان، کارمندان دولت و سیاست‌گذاران

جدول ۶: ویژگی‌های اصلی مدل خط‌مشی‌گذاری باز

شهروندان	بازیگران اصلی فرایند خط‌مشی‌گذاری که در تمامی مراحل فرایند از شناسایی مشکل، ایده دهی تا نظارت بر اجرای سیاست‌ها و ارائه بازخورد نقش اصلی و کانونی دارند
دولت	دولت به عنوان پلتفرم عمل می‌کند تا سیاست‌گذاری به درخواست و توسط مردم صورت پذیرد و حفاظت جدی از این امر دارد و از دولت بسته به سمت دولت باز حرکت می‌کند که در این مسیر از اصول شفافیت، مشارکت و همکاری بهره برده و اعتماد عمومی را تقویت می‌نماید
تکنولوژی	تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات پشتیبانی‌کننده اصلی این مدل خط‌مشی‌گذاری می‌باشد چرا که دسترسی به داده‌ها، مشورت‌گیری و رای‌دهی الکترونیکی و امنیت اطلاعات را تامین می‌کند و در این بین بهره‌گیری از سیاست داده باز بسیار موثر می‌باشد
الگوها و نمونه‌های اجرا شده در سایر کشورها	بکارگیری فرایند بودجه‌ریزی مشارکتی، بکارگیری برنامه‌های کاربردی fix my street, Fix my park و برنامه‌های کاربردی نظرسنجی و تعیین اولویت توسط مردم و همچنین کمپین‌های جمع‌آوری امضای الکترونیکی که در این خصوص در کشور ما نیز اپلیکیشن karzar توسط بخش خصوص آماده شده است.

پاسخگویی اجتماعی سازمان‌های دولتی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۲.

الوانی، سید مهدی. و شریف زاده، فتاح. ۱۳۹۴. فرایند خط مشی گذاری عمومی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

جاودانی، حمید. ۱۳۹۲. سیاست پژوهی. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

دانایی فرد، حسن. و الوانی، سید مهدی. ۱۳۹۰. مباحث مدیریت دولتی. تهران: شرکت نشر فرهنگی علمی.

ذوالفقارزاده، محمد مهدی. و شهسواری، زینب. ۱۳۹۸. جمع سپاری خط مشی و جلب مشارکت عامه در فرایند خط مشی گذاری عمومی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۵، شماره ۲.

فلاح زاده، علی محمد. و رکابدار، سید جمال. ۱۳۹۶. نگاهی به حق اداره مطلوب در حقوق اداری ایران. دو فصلنامه حقوق اداری. دوره ۴، شماره ۱۲.

قرونه، حسن. و بابکی راد، اعظم. ۱۳۹۴. پیش ارزیابی سیاست از مفهوم تا اجرا رویکرد آینده پژوهی به سیاست‌گذاری. تهران: آینده پژوه.

محرر، علی و همکاران. ۱۳۹۷. فراترکیب روش‌های مدل سازی سیستم‌های پیچیده فنی - اجتماعی با رویکرد پارادایم چندگانه - روش شناسی چندگانه. فصلنامه مدیریت صنعتی دوره ۱۰، شماره ۱.

واعظی، رضا. و آزمندیان، محمد صادق. ۱۳۹۰. مدل سه بعدی پاسخگویی. فصلنامه مطالعات مدیریت نیروی انتظامی. دوره ۶، شماره ۱.

هادی پیکانی، مهربان. ۱۳۹۵. درآمدی بر فرایند خط مشی گذاری عمومی. اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

----- 2016. Open policy making in the EU Lessons and Opportunities. The Democratic Society.

----- 2016. Open Government Impact & Outcomes. World Bank. available at <https://openknowledge.worldbank.org/>

Bakıcı, T., Almirall, E., & Wareham, J. 2013. A smart city initiative: The case of Barcelona.

- با توجه به موارد فوق می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح نمود:
- تحقق اقدام جمعی
- تلاش در جهت جذب اعتماد شهروندان با مشارکت‌دهی آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری
- حرکت به سمت دولت باز و پیوستن به جنبش مشارکت دولت باز و یا حداقل توجه به تعهدات و برنامه‌های این جنبش و تهیه برنامه عملیاتی در این زمینه
- استقبال از سیاست داده باز در دولت، تقویت نوآوری باز و بهره‌گیری حداکثری از مکانیزم چالش برای یافتن راه‌حل مسایل
- تلاش در جهت تولید و بهره‌گیری حداکثری از پلتفرم‌های مشارکت‌دهی شهروندی
- در انتها برخی از مطالعاتی که می‌تواند در دستور کار آتی محققین علاقمند در این موضوع به آنها اشاره نمود، عبارتند از:
- مطالعه تطبیقی سندهای توسعه مشارکت شهروندی در سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف و ارائه سندی بومی برای کشور
- مطالعه تطبیقی آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف (ابعاد، مولفه‌ها و کارکردها)
- مطالعه در خصوص نوآوری باز در خدمات عمومی
- سنجش تاثیر مشارکت در بهبود سیاست‌گذاری یا سیاست‌گذاری بهتر
- بررسی مبانی تولید مشترک و همزمان در فرایند سیاست‌گذاری عمومی

منابع و مأخذ

اسمیت، کوین بی. و لاریمر، کریستوفر. ۱۳۹۲. درآمدی بر نظریه خط مشی گذاری عمومی. ترجمه دانایی فرد، حسن. تهران: صفار.

احمدی، کیومرث و الوانی، سید مهدی. ۱۳۹۴. جایگاه نظریه خدمات عمومی نوین در تبیین مفهوم

- //www.scielo.cl/scielo.php?script=sci_arttextpid=S0718-18762014000200007 nrm
- Paterson, B. L., Dubouloz, C. J., Chevrier, J., Ashe, B., King, J., & Moldoveanu, M., 2009, Conducting qualitative metasynthesis research: Insights from a metasynthesis project. *International Journal of Qualitative Methods*, 8, 22-33.
- Thomas, J., & Harden, A. 2008. Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC medical research methodology*, 8, 45.
- Tim Hughes, Kaela Scott Paul Maassen. 2012. *Improving Public Services: Guidance for developing OGP commitments*.
- Journal of the Knowledge Economy, 4, 135-148. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1007/s13132-012-084-9>.
- Bench, S., & Day, T. 2010. The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. *International journal of nursing studies*, 47, 487-499.
- Bertot, J.C., Butler, B.S., & Travis, D. 2014. Local big data: The role of libraries in building community data infrastructures. 15th Annual International Conference on Digital Government Research, (pp. 18-21). Mexico.
- Creso Sa, Julieta Grieco. 2015. Open Data for Science, Policy, and the Public Good. *review of policy research*, 526-543.
- Dixon-Woods, M., Cavers, D., Agarwal, S., Annandale, E., Arthur, A., Harvey, J., ... & Riley, R. 2006. Conducting a critical interpretive synthesis of the literature on access to healthcare by vulnerable. *BMC medical research methodology*, 6, 35.
- Dulong de Rosnay, M., & Janssen, K. 2014. Legal and institutional challenges for opening data across public sectors: Towards common policy solutions. *Journal of theoretical and applied electronic commerce research*, 9, 1-14.
- Edwards, J., & Kaimal, G. 2016. Using meta-synthesis to support application of qualitative methods findings in practice: A discussion of meta-ethnography, narrative synthesis, and critical interpretive synthesis. *The Arts in Psychotherapy*, 51, 30-35.
- Kalampokis, E., Tambouris, E., & Tarabanis, K. 2011. A classification scheme for open government data: Towards linking decentralised data. *International Journal of Web Engineering and Technology*, 6, 266-285. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1504/IJWET.2011>.
- Mathias Kube, Dennis Hilgers, Giordano Koch, Johann Fu"ller. 2015. Explaining voluntary citizen online participation using the concept of citizenship: an explanatory study on an open government platform. DOI 10.1007/s11573-014-0756-y. published online: *J Bus Econ*. 85:873-895
- Mutuku, L.N., & Colaco, J. 2012. Increasing kenyan open data consumption: A design thinking approach. *Proceedings of the 6th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance*, (pp. 18-21). New York, NY, USA: ICEGOV '12, ACM.
- Noblit, G.W., & Hare, R.D. 1988. *Meta-Ethnography: synthesizing qualitative studies*. Los Angeles: Sage Publications.
- Parycek, P., Hochtl, J., & Ginner, M. 2014, 05. Open government data implementation evaluation. *Journal of theoretical and applied electronic commerce research*, 80-99. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1007/s13132-012-084-9>.

یادداشت‌ها

¹ *Critical Interpretive Synthesis*

² *Charalabidis*

³ *Open Government Participation (OGP)*

داده باز، داده‌های ساختاریافته، قابل خوانش و پردازش توسط ماشین که توسط سازمان‌های دولتی (که بودجه عمومی دریافت می‌کنند)، به صورت فعال روی وب منتشر می‌شوند تا عموم مردم بتوانند آن داده‌ها را بدون محدودیت و پرداخت هزینه‌ای، مورد استفاده مجدد قرار دهند که به این امر سیاست داده باز می‌گویند.

⁵ *Big Data*

⁶ *Open policy making in a digital age*

⁷ *Open Policy Making in the EU Lessons and Opportunities*.

^۸ مقاله علمی- پژوهشی در دسترس دیگری که با این روش انجام شده است و علاقه مندان می‌توانند به آن مراجعه نمایند عبارتست از: فراترکیب روش‌های مدل سازی سیستم‌های پیچیده فنی - اجتماعی با رویکرد پارادایم چندگانه- روش شناسی چندگانه نوشته محقر، علی و همکاران، ۱۳۹۷، فصلنامه مدیریت صنعتی (۱)۰

⁹ *Government as a platform*.

¹⁰ *Policy Lab*.

¹¹ *Co-Creating*



Design an Open Policy-Making Model

Morteza Nasohi¹ - Akbar Etebarian² - Mehraban Hadi Peykani³ - Reza Ebrahimzadeh⁴

Abstract

Background: The growing disconnect between citizens and policymakers leads to a crisis of legitimacy and requires the policy area to be re-engineered to re-engage citizens and improve the performance of governments. Accordingly, in recent years, the open policy making model is rapidly replacing traditional models, the knowledge of its dimensions can be a way to use it.

Objective: Designing an open policy making model is the main objective of this research.

Method: This study, using the critical interpretive synthesis method, while systematically reviewing the resources found in the field of open policy-making, has selected 37 sources from about 500 sources and assigned 250 codes to 827 sections of the reviewed sources in MAXQDA2020 software have been analyzed.

Findings: 250 codes were divided into 29 themes and 5 dimensions of open data, open innovation, open policy making, trust and open government, which indicate the dimensions of the open policy making model.

Conclusion: Utilizing the principles of open government and addressing open data and open innovation, while strengthening open policy-making, which is to open the policy-making process, rebuild public trust and lead to improving government performance.

Keywords: open policy-making model, open government, open data and open innovation

¹ PhD Student in Public Administration, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. nosohi55@gmail.com

² Associate Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. (Corresponding Author) etebarian@ymail.com

³ Assistant Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. paykani2323@gmail.com

⁴ Assistant Professor of Media Management, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. ebrahimzadeh2020@gmail.com,